هو اللّه - ای منجذب بنفحات الهيّه مكتوب مفصّل كه بمسس…

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



# ۱۵

### هو اللّه

ای منجذب بنفحات الهيّه مكتوب مفصّل كه بمسس گتسنر لوا مرقوم نموده بوديد ملاحظه گرديد فی الحقيقه در مسئله مدخل امراض تدقيقی نموده بوديد و فی الواقع عصيانرا مدخلی عظيم در امراض جسمانيّه محقّق است اگر چنانچه بشر از اوساخ عصيان و طغيان بری بود و بر ميزان طبيعی خلقی بدون اتّباع شهوات سلوك و حركت مينمود البتّه امراض باين شدّت تنوّع نمی يافت و استيلا نمينمود زيرا بشر منهمك در شهوات شد و اكتفا باطعمه بسيطه نكرد طعامهای مركب و متنوّع و متباين ترتيب داد و منهمك در آن و در رذائل و خطايا شد و از اعتدال طبيعی منحرف گشت لهذا امراض شديده متنوّعه گونا‌گون حادث گرديد زيرا حيوان من حيث الجسم تركيب انسان است ولی چون باطعمه بسيطه قناعت نمايد و چندان در اجرای شهوات مصرّانه نكوشد و ارتكاب معاصی ننمايد امراضش بالنسبه بانسان قليل است پس معلوم شد كه عصيان و طغيان انسان را مدخلی عظيم در امراض است و اين امراض بعد از حدوث تركيب شود و توالد و تناسل نمايد و سرايت در ديگران كند اين اسباب معنوی علل و امراض است

و امّا اسباب جسمانی صوری امراض اختلال ميزان اعتدال در اجزای مركبه جسم انسانيست مثلاً جسم انسان از اجزای متعدّده مركب است ولی هر جزئی از اين اجزا را مقداری معيّن كه ميزان اعتدال است و چون اين اجزاء بر حسب ميزان معتدل طبيعی در مقدار باقی و بر قرار ماند يعنی هيچ جزئی از مقدار و ميزان طبيعی تجاوز نكند و تزايد و نقصان نيابد مدخل جسمانی از برای امراض حاصل نگردد مثلاً جزء نشويرا ميزانی و جزء شكريرا ميزانی اگر بر ميزان طبيعی باقی ماند مدخلی از برای امراض حاصل نشود

ولی چون اين اجزا از ميزان طبيعی تجاوز كند يعنی تزايد و تناقص يابد البتّه از برای امراض مدخلی حاصل گردد اين مسئله را بسيار تدقيق لازم است حضرت اعلی روحی له الفداء فرموده‌اند كه اهل بها بايد فنّ طبّ را بدرجه ئی رسانند كه باغذيه معالجه امراض نمايند و حكمتش اين است كه در اجزای مركبه جسم انسانی از ميزان اعتدال اگر اختلالی حاصل گردد لابدّ اين مدخل امراض است

مثلاً اگر جزء نشوی تزايد نمايد و يا جزء شكری تناقص جويد مرضی مستولی گردد حكيم حاذق بايد كشف نمايد كه در وجود اين مريض چه جزئی تناقص نموده و چه جزئی تزايد حاصل كرده چون اين را كشف نمايد غذائی كه جزء تناقص نموده در آن غذا بسيار است بمريض دهد و اعتدال حاصل كند و چون مزاج اعتدال يابد مرض مندفع شود

و برهان اين مسئله آنكه حيوانات سائره فنّ طبّ نخوانده‌اند و اكتشاف امراض و علل و دوا و علاج ننموده‌اند هر حيوانی كه بمرضی مبتلا گردد در اين صحرا طبيعت او را دلالت بر نوعی از گياه نمايد و چون آن گياه را تناول كند مرضش مندفع شود تشريح اين مسئله اين است كه چون جزء شكری در جسم تناقص يابد بالطبع مزاج ميّال بگياهی شود كه در آن جزء شكری وفور دارد و بسوق طبيعی كه نفس اشتهاست در اين صحرا در ميان هزار نوع گياه گياهی پيدا نمايد كه جزء شكری در آن بسيار است و آن را تناول كند و اجزاء مركبه جسمش اعتدال حاصل نمايد و دفع مرض شود

اين مسئله را بسيار تدقيق لازم است و چون اطبّای حاذقه در اين مسئله تعميقات و تعقيبات مكمّله مجری دارند واضح و مشهود شود كه مدخل امراض از اختلال كميّات اجزاء مركبه جسم انسان است و معالجه اش بتعديل كميّت آن اجزاست و اين بواسطه اغذيه ممكن و متصوّر است و البتّه در اين دور بديع فنّ طبّ منجر بآن خواهد شد كه باغذيه اطبّا معالجه نمايند زيرا كه قوّه باصره و قوّه سامعه و قوّه ذائقه و قوّه شامّه و قوّه لامسه جميع اينها قوای مميّزه‌اند تا نافع را از مضرّ تميز دهند

حال ممكن است كه قوّه شامّه انسان كه مميّز مشمومات است از رائحه استكراه نمايد و آن رائحه بجهت جسم انسان مفيد باشد اين مستحيل و محال است و همچنين قوّه باصره كه مميّز مبصرات است آيا ممكن است كه از مشاهده مزابل مستكرهه جسم انسان استفاده نمايد استغفر اللّه من ذلك و همچنين قوّه ذائقه نيز قوّه مميّزه است قوّه ذائقه چون از چيزی كره دارد البتّه آن مفيد نيست اگر در بدايت فائده از او حاصل شود بالمآل مضرّتش محقّق است

و همچنين مزاج چون در مقام اعتدال باشد آنچه از آن متلذّذ شود شبهه‌ئی نيست كه آن مفيد است ملاحظه كنيد كه حيوان در اين صحرا كه صد هزار نوع گياه دارد ميچرد و بقوّه شامّه استنشاق روايح گياه ميكند و بذائقه ميچشد هر گياهی كه شامّه از آن متلذّذ و ذائقه از آن متلذّذ آن را تناول كند مفيد است اگر اين قوّه مميّزه را نداشت جميع حيوانات در يك روز هلاك ميشدند زيرا نباتات مسمّه بسيار و حيوانات از مخزن الادويه بيخبر لكن ملاحظه كنيد كه چه ميزان محكمی دارند كه بآن كشف نافع از مضرّ مينمايند و هر جزئی كه از اجزاء مركبه جسمشان تناقص نمايد گياهی بجويند كه در آن آن جزء متزايد است و تناول كنند و اجزاء مركبه اعتدال حاصل نمايد و مرض مندفع شود و چون اطبّای حاذقه معالجات را باغذيه رسانند و اطعمه بسيطه ترتيب دهند و نفوس بشر را از انهماك در شهوات منع كنند البتّه امراض مزمنه متنوّعه خفّت يابد و صحّت عموميّه انسانيّه بسيار ترقّی كند و اين محقّق و مقرّر است كه خواهد شد همچنين در اخلاق و احوال و اطوار تعديل كلّی حاصل خواهد شد و عليك التحيّة و الثناء ع ع

